|  |  |
| --- | --- |
| عنوان  | **مكتوب جناب قدّوس به سعيد العلماء – 3**  |
| صاحب اثر  | جناب قدُّوس  |
| مأخذ اين نسخه  | كتاب ظهور الحق جلد 3 صفحه 327-330 (165 بديع)  |
| ساير مآخذ  |  |
| محل نزول  |  |
| سال نزول  |  |
| مخاطب  | ملا سعيد معروف به سعيد العلماء  |

**بسمه الذى لا اله الا هو**

الحمد للّه الذى قد شرّفنا بمتابعة أوليائه و اختصّنا من دون العالمين بالتمسّک بحول أصفيائه و نوّر قلوبنا باشراقات الانوار من القائمين فى مقامه و ألمع فى کل وجه على صدورنا بتلألوء انوار ضيائه فعرّفنا مواقع امره و اوضح لنا سبل شرايع دينه و کشف عن أعيننا غطاء الجهالة و الضلالة بتشعشع نور بقيّته صلوات اللّه و سلامه عليه و عجّل اللّه فى فرجه ثم فى فرجنا به إنّه على کلشئ قدير و الحمد للّه الذى قد جعل قلوب الاعداء فى الاکنه لئلا يعلمون شيئا من الامر و کانوا فى قعر الجحيم مسکونا و قد ضرب على آذانهم و قرا من العصبية و الجهالة ليکونوا فى نار الطغيان و الضلالة محروقا ثم الصلوة من طلعة حضرت الذات على سيدنا و نبينا رسول اللّه - صلّى اللّه عليه و آله - ثم الصلوة المبارکة الطّيّبة الزکية على سيدى و إمامى و جدّى أمير المؤمنين - روحى و روح العالمين فداه - ثم الصلوة الوصلية و النور الصمدية على الصديقة الطاهرة و على أبنائها ما دام الملک للّه و اللّه يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين

پس از حمد و صلوات بر سادات کرام - سلام اللّه عليهم - مذکور ميشود نزد سرور مکرم و جناب مستطاب مفخم - سلّمه اللّه - و ابقاه اين که نوشته سر کار که در جواب عريضه نوشته بوديد ملاحظه نمودم و در بعضى از کلمات و خطابات بسيار تعجب نمودم لاجل آنکه از مثل جناب سامى بعيد مى دانستم و الا اگر غير شما می بود نقلى نبود زيرا که هميشه دأبشان به اين نحوها بوده است و خواهد بود و لکن بر مثل جناب سامى که معروف به دقّت و فطانت عقل و وقار بودند چگونه توانستند که امر را مشتبه کنند با آنکه آنها را خود بهتر می شناسى و اين که خطاب فرمودند و نسبت بعضى از قول ها به اين منقطع الى آل اللّه دادند با اين که از من چيزى خود سر کار نشنيده ‌ايد و از نوشته ‌هاى من نديده ‌ايد و آنچه که ديده ‌ايد آن نوشتهٴ سابق است و ان مطابق است با ضرورت جميع مذاهب فضلا از مذهب اسلام و اما نسبتها مثل عدم حجيت عقل و بطلان عمل بظن و امثالش اولا که ازين منقطع الى آل اللّه – سلّم اللّه عليهم - نشنيده است اينرا احدى و ثانيا آنکه ازيشان جناب سامى استفسار بايد فرمايند که آيا عقل را در کجا حجت نميدانند زيرا که عقل حجت است در بعضى از مواقع بضرورت کل مذاهب و حجت نيست در بعضى از مواضع باتفاق جميع اهل کتاب و الا که بعث رسل و انزال کتب عبث بودى همچنين عمل بظن در بعضى از مواضع که نص رسيده است احدى را نميرسد که رد کند آنها را لاجل آنکه رد بر خداوند است و اما جاهائيکه نهى از کتاب و سنت بضرورت اسلام ثابت شده است در آنها باطل است باتفاق کل اهل اسلام پس معلوم جناب سامى باشد آنکه اين منقطع الى آل اللّه نميگويد الا آنچه را که أئمّه ما - سلام اللّه عليهم - بيان فرموده‌اند در نفى و اثبات چه در مقام ظاهر و چه در مقام باطن و چه در مقام تأويل و جناب شما گوش ببعضى از حرفهاى مردميکه خود ميدانيد آنها بواسطهٴ اغراض فاسده که خودشان در نظر گرفتند جناب شما را در مهلکه مياندازند ندهيد و اين از مثل جناب شما بعيد است که عاقبت امر را ملاحظه نکرده مرتکب امرى شويد که نعوذ باللّه عاقبت آن خسران در آخرت و دنيا هر دو باشد و خود را در نزد امام زمان - عجّل اللّه فرجه - بمقام عتاب برآوريد زيرا که هر امرى خالى از دو قسم نيست يا باطل است و يا حق اما اول پس خداوند خود او را باطل ميکند و اگر حق است پس احدى نميتواند که او را ضايع کند بلکه هر قدر در صدد تضييعش بر آيند او بلندتر خواهد شد و امرش محکمتر و نورش بيشتر و ظهورش عاليتر همچنانکه در امر سادات ما - سلّم اللّه عليهم - دانستيد پس اين منقطع الى آل اللّه - سلام اللّه عليهم - در مقام نصح ذکر ميکنم که جناب شما خود را داخل نکنيد در امرى که عاقبت که بر شما مکشوف و عيان نيست تا آنکه در روز جزا در نزد حضرت رسول - صلّى اللّه عليه و آله - وقتيکه خداوند بگويد ﴿أَاللّهُ أَذِنَ لَکُم أَمْ عَلَى اللّهِ تَفْتَرُونَ﴾ آنجا جواب فلان و فلان چنين گفتند بکار نميايد لاجل آنکه اگر اين بکار ميآمد هر آينه قول آنها که مذکور است حکمشان در قرآن مقبول بود و قسم بپروردگاريکه جانم بيد قدرت اوست چنين که گمان کرده‌اند بعضى از اراذل نيست که اين حکم مثل حکم خودشان است نه و اللّه بترسند از انتقام امام زمان - عجّل اللّه فرجه - از آنکه بگيرد آنها را در دنيا ببدترين گرفتنها و در آخرت مستقر باشند در عذاب جهنم ابد الدهر و خلاصى از آنها نداشته باشند و شفيع آنها را شفاعت نکند و اما اين منقطع الى آل اللّه را - سلام اللّه عليهم - اگر چه مقامى نيست لکن مولايش که امام زمان – عجّل اللّه فرجه - باشد قوى است و صاحب قدرت کبرى است و در يد قدرت او است باذن خداوند اختيار تمام ملک و محجوب نيست از او اخبار هيچ کس همچنانکه در توقيع شيخ مفيد - قدّس اللّه تربته و اعلى اللّه مقامه - ميفرمايد و بترسند مفترين از افتراها و بپرهيزند مکذبين از تکذيب و نکنند اذيت بعضى از اشخاصى را که آنها را بصورت ظاهره مثل خودشان مى بينند و نميدانند که آنها کيستند قسم بپروردگار يگانه که اگر چنانچه بر نگردند از کارهائى که ميکنند و از افتراهائى که ميزنند و اذيتها که ميرسانند خواهند يافت مثل آنچه که امم سابقه يافتند بل اشدّ آنها و بر من نيست الا گفتن فمن شاء فليقبل و من شاء فليعرض تاللّه الحق ما أنا بکذّاب أشرّ و سيعلمون ذلک اذ الرزية من آل محمد - سلّم اللّه عليهم - قد انتشر و الصيحة بالحق باذن الورقاء قد استمر ألا يا ايها الملأ ان ارجعوا الى امر اللّه و أنيبوا الى ذکر اللّه و قولوا ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهّاب فسبحانک يا الهى تعلم مقامى و تشهد ضميرى و کفى بنفسک عَلَىَّ شهيدا فاحکم اللهم بالحق لمن اراد جحدک و جحد اوليائک و الرّد لکتابک و الاستهزاء لاصفيائک و الاذيّة لاهل محبتک فانک قدير حکيم و انک عليم حليم فسبحانک سبحانک لا اله الا انت و انت ربّى و رب العالمين و سلام منک على المرسلين فاشکر اللّه ربک بالخضوع لما کتبت اليک و قل ان الحمد للّه رب العالمين اى عالم عليم پس بدان که من گمان نداشتم در حق مثل جناب شما اينگونه حرکات را لاجل آنکه شما را متين و معقول ميدانستم و از شخص عاقل بعيد است بعضى از حرکات و بعضى از اطوار آيا مخبر نيستى که الى الان در پيش جميع مردم چگونه کسانيکه باعث بعضى از اين امورات شده‌اند مذموم‌اند لاجل آنکه مثل اينحرکات از هيچ نبى و وصى صادر نشده بلکه طريق حق لاحقاق حق و ابطال باطل بميزان مقررهٴ در نزد اهل اسلام است و هر قدر باين نحوها حرکت بيشتر نمايند نيست جز اينکه ظاهر کنند بر جميع مردم در حق خود آنچه را که گمان نداشتند در حق ايشان و از اين طرف محمود و نيکو خواهند بود و ازدياد حبشان در قلوب مردم خواهد شد اذ ذلک سنّة اللّه قد خلت من قبل و لن تجد لسنّة اللّه تبديلا پپس نکند مثل جناب شما بعضى از حرکات را بواسطهٴ خواهش بعضى اراذل ناس الذينهم لدى سيدى و حبيبى سلّم اللّه عليه اخبث من الذى یوسوس فى صدور الناس و اگر چنانچه بقدر مدت قليلى باين منقطع الى آل اللّه - سلّم اللّه عليهم - مى نشستى و گوش ميدادى هر آينه بعضى از چيزها مى يافتى که هر کلمهٴ از آن بهتر بود از براى تو از آنچه آفتاب بر آن ميتابد فاوصيک يا ايها الانسان أن لا تغرّ بالدنيا و زخرفها و بأهلها و زبرجها فإنّک تأتى يوم القيمة کيوم ولادتک فلن تستطيع بشئ من الامر و إنّک فى ذلک اليوم على ما عملت يداک قد کنت لدى اللّه مأخوذا الخ